

نوشته : جو - یه تو
ترجمه : محمد علی نائلی

تعلیمات عمره ای در چین

طی چند سالی که " انقلاب فرهنگی زحمتکشان " در چین ادامه دارد دانش آموزان کمتر از گذشته اوقات خود را در کلاسهای درس متداول میگذرانند . باید توجه داشت که نه تنها ساعات کار دانش آموزان در مدارس کاهش نیافته بلکه بر میزان فعالیت آنها نیز افزوده شده است . امروزه در چین محصلین مدارس موضوعاتی را مورد مطالعه قرار می دهند که مفاهیم اساسی را که مربوط به زندگی واقعی است در برگیرد . آنها همچنین مهارتهائی را که برای صنعت و کشاورزی سودمند است بفرآخورسن و پایه تحصیلی شان کسب مینمایند .

" اتکاء به نفس " دستورالعمل کلی در آموزش زحمتکشان است در هر آموزشگاه کشتگاه یا کارگاه و یا هر دو تأسیس شده و در شکل گرفتن این منظور جامعه بلافاصل آموزشگاه را بیاری می دهد . این کارگاهها و کشتگاهها که در مدارس بی شمار چین بوجود آمده نه تنها در حکم آزمایشگاه برای این موسسات است بلکه بعنوان واحدهای تولیدی حائز کمال اهمیت میباشد . کارگاهها در محل کلاس های سابق و کشتگاهها در محوطه مدارس بنا شده اند . وسعت کشتگاه یا بزرگی کارگاه مورد نظر

ترجمه از مجله The Education Digest ، شماره نهم ماه مه ، دوره بیسی

نمیباشد بلکه آنچه اهمیت دارد استفاده آنی است که از آنها بعمل میآید. منابع موجود و نیازهای جامعه بلا فصل آموزشگاه نوع محصول کارگاههای آنها تعیین مینماید. بطور معمول در آنها اجزای ماشین، فرآورده های دارویی، وسائل الکتریکی، و لوازم بصری تهیه میگردد. بعضی از کارگاهها در چاپ، نقاشی، عکس برداری و فیلم، کارهای چوبی و یادرشته های دیگر فعالیت دارند. دانش آموزان با بالا رفتن سن و پایه تحصیلی ساعات بیشتری را در کارگاهها میگذرانند و عموماً "برای سودمند بودن و بالاتر از همه برای تجربه کردن زندگی کارگری و درک اهمیت کار بدنی آماده می گردند."

علاوه بر این، برای تسهیل مساعی در امر آموزش عملی دولت چین راههای آسانی را جهت استفاده از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی در اختیار مسئولان مدارس قرار داده است. خوابگاههایی برای معلمین و دانش آموزان در جوار منازل مسکونی کارگران و کشاورزان ساخته شده است. این اقدام نه تنها اجازه میدهد که معلمین و دانش آموزان با کارگران و کشاورزان زندگی نمایند، بلکه دانش آموزان را بصورت بخش زننده ای از کارخانهها و مزارع در می آورد که بتوانند تجارب لازم را در باره این واحدها بدست آورند و مستقیماً در تولید ملی شرکت نمایند. کارخانه ها و مزارع در چین امروز با داشتن نقش دو گانه ای - مرکز تولید ثروت و مرکز تعلیم و تربیت - سهم غیر قابل انکار را در مفید بودن نسل جوان که بتواند به جامعه سوسیالیستی چین خدمات نماید بر عهده دارند.

"انقلاب فرهنگی زحمتکشان" که از اواخر دهه ششم قرن حاضر پایه گذاری شده است نهضتی است همگانی در پر جمعیت ترین کشور جهان و پدیده ایست که در تاریخ آموزش و پرورش معاصر منحصر بفرد میباشد. این نهضت کوشش دارد که بدون استثنا تمام جمعیت جوان کشور را در

مهارتهای فنی تربیت نماید و اهمیت و ارزش کارهای جسمانی را بشناساند.

همگانی بودن هدف

انقلاب فرهنگی زحمتکشان " که بوسیله زمامداران آغاز و نضج گرفت و مورد حمایت کارشناسان آموزش و پرورش و محصلین چینی قرار گرفت عبارت از يك بحث تربیتی است با اعتقاد به اینکه تحصیلات باید مقتضی برای زندگی کردن باشد و در ضمن به رشد اقتصادی کشور كمك نماید. بدین ترتیب آموزش فنی جزء لا ینفك تعلیم و تربیت عمومی قرار میگیرد.

ارزیابی موفقیتها و یا شکستهای این نهضت عظیم و همگانی که در چین ادامه دارد هنوز بسیار زود است. لیکن با توجه به اینکه تربیت افراد برای تأمین نیازهای اجتماع چین مسأله مشکلی را بوجود نمیآورد و این نیازها برنامه های موجود مدارس را دیکته مینماید، منطقی است پیشگوئی شود که در آینده نزدیک اکثریت مردم چین مهارتهای لازم را که برای رشد اقتصادی کشور حائز اهمیت است، در بازار کار دارا خواهند بود.

سود جوئی هدف غائی از آموزش عملی نیست. گنجاندن تعلیمات حرفه ای و آموزشهای کشاورزی در برنامه مدارس و ادار نمودن محصلین به انجام کارهای بدنی، در درجه اول معطوف بر این است که طرز فکر مردم را عوض نمایند و در مرحله دوم بتوسعه صنعتی و رشد اقتصادی کشور كمك کنند. بعضی از ناظران غربی، با وجود این، معتقدند که نظم کنونی تعلیم و تربیت چین به جنبه های کیفی تحصیلات نمیپردازد و بتربیت نیروی انسانی در سطوح عالی کمتر توجه دارد. بنظر این ناظران کم توجهی به کیفیت تحصیلی در دانشگاههای کشور مانع پیشرفتهای علمی و فنی شده است.

اما برای ملتی که از حقوق مساوی اجتماعی بهره میبرد و امتیازات طبقاتی را کنار گذاشته است، مسلماً " بارور ساختن فکر زحمتکشی در فرد فرد

افراد ملت بمراتب با ارزش تر از بدست آوردن پیشرفتهای سطحی و آنسی مییاشد . زمامداران چین معتقدند که در طول تاریخ عقائد سنتی مشخصی مانع انقلاب سوسیالیستی کامل در کشور شده است . تا زمانیکه این عقائد سنتی کنار گذاشته نشود پیشرفت واقعی امکان پذیر نیست . جنبش های کمونی در تعلیمات کشاورزی و صنعتی وسیله ای برای مبارزه با این تمایلات ارتجاعی سنتی است .

حتی با متجاوز از بیست سال حکومت کمونیستی ، اختلاف طبقاتی بطور کامل کنار گذاشته نشده است . بیشتر چینی ها هنوز معتقدند که طبقه روشنفکر یا کسانیکه " مغز خود را بکار و میارند " بر توده های زحمتکش یا کسانیکه " با جسمشان کار میکنند " برتری دارند . از دهه پنجم تا اوائل دهه ششم قرن حاضر فراهم ساختن فرصت های لازم برای تحصیل و تربیت نیروی انسانی کار آزموده ، حکومت کمونیستی چین را بر آن داشت که نظام آموزشی دو جانبه ای را بوجود آورد . این نظام دو نوع مدرسه تدارک دید : نوع اول مدارس تمام وقت بود که بتعداد کم بوجود آمد و دانش آموزان خود را از افراد مستعد انتخاب مینمود . نوع دوم که اختصاص بتوده مردم چین داشت ، مدارس بود که دانش آموزان در آنها نیمی از فعالیت خود را به تحصیل و نیم دیگر را بکار بدنی اختصاص میدادند .

لیکن بتدریج که تعداد بیسوادان کم می شد و کارشناسان در زمینه های گوناگون تربیت میشدند ، روح امتیاز طبقاتی سنتی بین کار فکری و کار بدنی ، شهر و ده ، روشنفکر و کارگر یا زارع باز نضج میگرفت . گرایش برای الحاق به قشر روشنفکر باقی می ماند و بیشتر پدر و مادرها و نیز خود دانش آموزان تحصیل تمام وقت را بنیمه وقت ترجیح میدادند . و این گرایش باین دلیل بود که فارغ التحصیلان مدارس نوع دوم برای همه مدت عمر به سمت کارهای بدنی کشیده میشدند . با این توصیف رقابت برای بدست آوردن

امتیازات تحصیلی بهتر ، تیزتر و شدید تر گردید . در مدارس گرایش های نخبه پروری اوج گرفت و نشانه های ارتعاض بین کارهای عملی و نظری بارزتر میشد و جدائی تعلیم و تربیت از مردم عادی آشکار گردید .

چون هدف غائی کمونیسم در مخاطره بود دیری نگذشت که " انقلاب فرهنگی زحمتکشان " بر پا شد تا نظام آموزشی را سازمان تازه ببخشد ، و توأم کردن آموزش و پرورش با کار بدنی پرثمر دستور العمل حکومت چین بوده و مالا " خواهد بود .

اگر این تجربه از بوته آزمایش موفقیت آمیز بیرون آید ، در آینده چین در رکن اجتماعی وجود خواهد داشت : کارگران روشنفکر و روشنفکران کارگر . در چنین افقی نهضت جاری تعلیم و تربیت که بر آموزش های حرفه ای تکیه کرده و ارزش های کار بدنی را تشویق می نماید یک وسیله مؤثر برای ادامه دگرگونی جامعه بطرف سوسیالیسم خواهد بود .